

شرایط تحقق غش

۱. جهل گیرنده و علم دهنده

قوام غش به این است که دهنده جنس مغشوش، عالم به مطلب و گیرنده جاهل باشد. بنابراین اگر دهنده، جاهل باشد، یا گیرنده عالم - اعم از اینکه دهنده عالم باشد یا جاهل - غش محسوب نمی شود و معامله صحیح است. حرمت تکلیفی هم برای آن دهنده وجود ندارد؛ مثل اینکه می داند در بازار شیر خالصی که در آن آب نباشد، وجود ندارد و با این حال آن را می خرد، این معامله غش نیست. چنانچه دهنده و گیرنده هر دو به مغشوش بودن جنس جاهل باشند، اینجا هم معامله اشکالی ندارد. (مکاسب محرمة، ج ۲۳۵، ص ۷)

غش آشکار

گاهی خریدار می داند که مال مغشوش است و با اینکه رضایت قلبی به انجام معامله ندارد، ناچار است آن را بخرد (۱). این نوع معامله غش محسوب نمی شود. اما فروشنده عمل محرم انجام داده است؛ نه از باب غش، بلکه از باب ظلم.

مثال: شخصی به دارویی احتیاج دارد که این دارو فقط دست یک نفر است. آن فرد هم به بیست برابر قیمت می فروشد و طرف مقابل چاره ای جز خرید آن ندارد. این معامله صحیح است؛ چون رضای معاملی وجود دارد. اما برای فروشنده حرام است؛ چون کار او ظالمانه است. (مکاسب محرمة، ج ۲۳۶، ص ۳)

۲. مستور بودن خدعه

تصرفی که برای خدیعه و فریب انجام می گیرد، باید مستور باشد. لذا اگر مشهود باشد، غش محسوب نمی شود.

مثال:

الف) گندمی که می فروشد، به میزان قابل توجه با جو یا خاک مخلوط شده است و این چیزی نیست که شخص با نگاه کردن به آن متوجه نشود.

ب) اگر ماشینی به عنوان صفر کیلومتر فروخته شود و خریدار ببیند که رنگ قسمتی از ماشین رفته و نشان دهد که ماشین قبلاً استفاده شده است، این نوع تصرف که از طرف بایع یا مشتری در باب بیع، یا موجر و مستأجر در باب اجاره صورت می گیرد، که تصرف کاملاً مشهودی است، صدق غش نمی کند و به آن، معامله غش آمیز نمی گویند. بنابراین معامله باطل نیست. (مکاسب محرمة، ج ۲۳۵، ص ۸)

۳. قصد خدعه و فریب

اگر در مورد عیب خفی- چه عیبی که با اختبار فهمیده می شود و چه عیبی که فهمیده نمی شود - فروشنده قصد فریب داشته باشد، این غش در معامله بوده و حرام است. اما اگر در همین عیب خفی قصد فریب و تلبیس وجود نداشته باشد- هرچند عیب، عیب خفی است- غش در معامله نبوده و حرام نیست. اما در عیب جلی، چه قصد تلبیس باشد و چه نباشد، غش در معامله نیست. (مکاسب محرمة، ج ۲۴۱، ص ۳)

[۱]. در باب بیع مضطر، ممکن است رضای قلبی نباشد. اما رضای معاملی باشد؛ چون رضای قلبی غیر از رضای معاملی است. گاهی خریدار قلباً راضی به معامله نیست و برای او این کار سخت است. اما چاره ای ندارد. بنابراین رضای معاملی هست. (مکاسب محرمة، ج ۲۳۶، ص ۲)